

Doc\_Number: EU000804



« | صفحه اول | نسخه قابل چاپ | نظر دهید | »

7 بهمن 88

مادر شهید رامین رمضانی: روز خاکیپاری پسر همزمان شد با روز تولدش!



هنوز خانواده رامین رمضانی نمی توانند این موضوع را فراموش کنند که روز تولد فرزند دلبندهشان امسال با روز خاکیپاری اش مصادف شد.

سخن از رامین رمضانی است. جوانی 22 ساله و از شهدای حوادث پس از انتخابات که امسال روز تولد و خاکیپاری اش با هم برگزار شد. مادرش اشک می ریزد و از گمنامی پسرش می گوید. اینکه کمتر کسی از رامین عزیزش سخن می گوید. رامین در روز 25 خرداد ماه در تجمع مسالمت آمیز میدان آزادی به ضرب گلوله به شهادت رسید.

به گزارش " رای ما کجاست"، مادر و پدر رامین هر دو هنوز سیاهپوش و عزادارند و هرگز نمی توانند داغ از دست دادن پسر عزیزشان را از یاد ببرند. مادر اشک می ریزد و از رامین حق طلب اش سخن می گوید. او که پس از اعلام نتایج انتخابات لحظه ای چشم بر هم نگذاشت و برای دفاع از حقش کشته شد.

مادر می گوید: «پسر من یک شهید واقعی می دانم که برای دفاع از حقش کشته شد. او حقش را می خواست. رای اش را می خواست، پس شهید است.»

رامین جوان و پرشور که یک سرباز وظیفه در شهر زابل بود. درست 4 روز قبل از شهادتش به تهران آمد. مادر او هرگز نمی تواند لحظه به لحظه روز وداع با فرزندش را از یاد ببرد. روزی که برای پسر دلبنده و محبوبش غذای مورد علاقه اش را پخته بود، اما آن روز آخر دیدار مادر و فرزند شد. روزی که رامین با عجله از خانه بیرون رفت و هرگز هم به خانه کوچکشان باز نگشت.

پدر اشک می ریزد: « بین همه فرزندانم رامین جور دیگری بود، حق طلب و پرشور بود کسی که هرگز نمی توانست نسبت به مسائل جامعه اش بی تفاوت باشد و...» اشک اجازه ادامه سخنش را نمی دهد.

مادر از نگرانی هایش در آن روز می گوید: خیلی نگران رامین بودم، اما هرگز فکر نمی کردم که حضورش در یک تجمع به کشته شدنش بیانجامد.»

آن روز تا پاسی از شب مادر نگران دلبندهش بود. تا آنکه تلفن خانه به صدا آمد و مادر با خوشحالی شماره رامین را بر دستگاه تلفن دید. اما وقتی با ذوق به تلفن جواب داد ناشناسی پشت خط از مشخصات رامین گفت و اینکه جنازه اش را در یکی از بیمارستانهای شهر دیده است.

مادر رامین با حق هق گریه ادامه می دهد: «وقتی کلمه جنازه را شنیدم نقش بر زمین شدم...»

هر چند آن روز پس از مراجعه به بیمارستان پدر و مادر رامین جنازه اش را تحویل نگرفتند، اما این خبر تلخ حقیقت داشت و چند روز بعد در آگاهی عکسی از رامین را به پدر و مادرش نشان می دهند و درست روز تولد 22 سالگی رامین جنازه اش را به خانواده تحویل می دهند.

پدر که جنازه فرزندش را دیده سری تکان می دهد و سیمای بغض آلودش را به عکس پسرش می دوزد: «جای یک گلوله را روی سینه اش دیدم گلوله ریه و کلیه اش را از بین برده بود...» و باز اشک امانش نمی دهد.

پدر و مادر رامین از این گلابه مندند که تاکنون هیچ رسیدگی درباره پرونده رامین نشده است. آنها میگویند هرگز از خون فرزندشان نمی گذرند.

پدر رامین می گوید: « بارها در کشورمان از اجرای عدالت سخن می گویند، اما این چگونه عدالتی است که با شهروندان مسلمانان این گونه رفتار می کند؟

مادر رامین چشمهای خیسش را به نقطه ای دور دست میدوزد جایی که انگار فقط فرزند حق طلب اش را می بیند: « بین مزار ندا و رامین فقط دو سه قدم فاصله است هر وقت سر قبر ندا می روم با او حرف می زنم و می گویم ندای عزیز هر چند همه جا حرف تو است اما بدان که رامین پیشقراول تو شد و راه



- حکم اعدام ولیان در دادگاه بدوی صادر شده است
- لایحه تکمیلی دفاعیه وکلای میردامادی در پرونده فیت شد
- حکم دادگاه تاجزاده هنوز صادر نشده است
- بیخبری از وضعیت صالح نقره کار و دکتر عرب مازار
- تاکید مبینمحمد خاتمی بر مهار خشونت گرایان
- فشار نهادهای امنیتی بر خانواده ولیان
- سفر جرنان اصلاح طلب به قم و دیدار با آیات عظام
- آیتالله ییاق: معترض به یک رفتار، محارب نیست
- به دلیل عدم تأمین وثیقه تعیین شده، حکم آزادی تاجزاده امضا نشد
- بازداشت مجدد یک دانشجوی دانشگاه آزاد مشهد
- درددل همسر فیض الله عرب سرخی با پیامبر اسلام (ص) به مناسبت میلاد با سعادتش
- هشدار عضو بین الملل در مورد هنگامه شهیدی و روزنامه نگاران زندانی
- مجلس شورای اسلامی فیلم حمله به کوی دانشگاه را فاقد اطلاعات جدید دانست!
- تهدید جدید کامران دانشجو: دانشگاهیان غیرهمسو را خارج می کنیم
- دومین عضو خانواده کربویی نیز ممنوع الخروج شد
- شکرریز یاد در مناظره با کرچک زاده: به خط امامی که به دانشجو اجازه فعالیت می دهد افتخار می کنیم
- دیدار کربویی با علی حکمت، روزنامه نگار آزاد شده
- جبهه مشارکت توقیف اجماع، ایراندخت و سینا را محکوم کرد
- مرخصی 5 روزه بهزاد نبوی از زندان اوین
- از "قولولاله الاالله فلقحوا" تا حکم اعدام محمدامین
- دادگاه مهدی محمودیان بالاخره برگزار شد
- بازداشت یک روزنامه نگار مطرح حوزه میراث فرهنگی در اهواز
- بی خبری از وضعیت هوتن ابوالفتحی
- حکم سعید لیلانز به 3 سال حبس تعزیری تقلیل یافت
- رئیس ستاد موسوی در شاهین شهر بازداشت شد
- هشدار دفتر تحکیم وحدت به اقتدارگرایان: درصورت عدم لغو حکم اعدام ولیان کاروان سنگین را خواهید پرداخت
- خانواده مرتضی میمباری توان تأمین وثیقه برای آزادی فرزندشان را ندارند

- بهزادیان نژاد، مشاور ارشد مهندسی موسیقی همچنان در انفرادی است
- نامه های عاشقانه به اوین / گزارش روزنامه ایتالیایی درباره یک زوج روزنامه نگار در ایران
- آزادی اکثر بازداشت شدگان در خانه جعفر پناهی

را برای شهادت تو باز کرد. مطمئنم که رامین از اینکه در این قطعه به خاک سپرده شده روحش شادمان است جانی که انسانهای حق طلب بر خاک خفته اند."

مادر رامین رضوانی می گوید: "پسرم آقای موسوی را خیلی دوست داشت. به او رای داد و برای دفاع از رایی که به او داده بود، در خوب خود غلتید. ما آرزو داشتیم یکبار هم که شده آقای موسوی را که تبدیل به آرمان فرزند ما شده بود، از نزدیک ببینیم که ایشان به دیدن ما آمدند."

## نظرات

### یک سبز :

نوروز عزیز جای بسیار قدردانی دارد که زبان گویای بی زبانان اید و شهیدا را در یادمان زند می کنید. روحشان سبز و جاری بر فراز فریاد های 22 بهمن.

:

برای تسلی دل مادر: زبان حال حضرت زینب(س)  
هرگز کسی جز من تن بی سرنیوسید  
بوسیدم آنجایی که پیغمبر نیوسید  
زهر آنبوسید، جینر نیوسید  
حتی نسیم صحرا نیوسید

:

آن عاشقان شرز ه که با شب نزیستند  
رفتند و شهر خفته ندانست کیستند

فریادشان نموج شط حیات بود

چون آنرخش در سخن خویش زیستند

مرغان پرگشوده ی طوفان که روز مرگ

دریا و موج و صخره برایشان گریستند

می گفתי ای عزیز: «سترون شده ست خاک»

اینک بین برابر چشم تو چیستند:

هر صبح و شب به غارت توفان روند و باز

باز، آخرین شقایق این باغ نیستند

### ناهید :

سلام بر مادر و پدر رامین شهید  
من یک مادرم و لحظه لحظه غم دوری از فرزند دلبندش را حس میکنم. برای رامین عزیز اشک ریختم و از خدا خواستم  
به حق خون به ناحق ریخته شده همه شهیدان راه حق هر چه زودتر سبزی عشق و محبت را به این کشور باز گرداند. امین

## فرم ارسال نظرات

+ قابل توجه نظردهندگان محترم

نام:

آدرس پستی:

آدرس وب(در صورت موجود بودن):

اطلاعات مرا برای باز آینده بخاطر بپار؟

محل درج نظر:

[ارسال نظر](#)

[نمایش پیش از ارسال](#)

« | صفحه اول | نسخه قابل چاپ | نظر دهید | بازگشت به بالای صفحه | »